فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و هشتم. زمستان ۱۳۹۷، صص۱۱۵-۹۷ Vol 3. No 28. 2019, p 97-115
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

# نقش دادستان در محاکم عمومی در حقوق کیفری ایران

**سجاد طرهانی**
**کارشناس ارشد حقوق حقوق جزا و جرم‌شناسی، شهرداری کوهدشت، ایران**

## چکیده

وقوع جرم در هر اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است، چه اینکه ادعای جامعه عاری از بزه و بزهکاری، تخیلی بیش نیست. و از سوی دیگر از وظایف اولیه هر حکومتی برقراری نظم و امنیت در جامعه است. در این راستا تعقیب مرتکب جرم همواره یکی از مراحل حساس و مهم دادرسی کیفری در هر سیستم حقوقی می‌باشد. در ابتدای فرآیند کیفری جمع‌آوری دلایل و مدیریت قضایی پرونده به عهده دادستان است و ضابطان دادگستری تحت نظارت و ریاست دادستان از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند انجام وظیفه می‌کند. از مهم‌ترین وظایف دادستان کشف جرم، تعقیب متهم به جرائمی که جنبه عمومی دارند و اقامه دعوا از جنبه حق الهی، صدور کیفر خواست و دفاع از آن از طریق حضور در محاکم جزایی، حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی و اجرای احکام صادره کیفری از سوی محاکم و همچنین رسیدگی به امور حسبیه می‌باشد. لازم به ذکر است دادستان که در رأس دادسرا قرار دارد حق صدور انواع قرارها از جمله قرار بازداشت موقت را که شدیدترین اقدام علیه آزادی اشخاص است در جریان تحقیقات مقدماتی را دارد و چون قرار بازداشت موقت با اصل برائت در تعارض می‌باشد معمولاً در موقعیت‌های استثنایی صادر می‌شود و حتماً باید ظن معقولی مبنی بر ارتکاب جرم و بیم فرار متهم وجود داشته باشد و دادستان حق صدور قرار بازداشت موقت را در کلیه جرائم به غیر از جرائمی که در صلاحیت دادگاه کیفری استان است را دارد.

**واژه‌های کلیدی:** دادستان، دادسرا، اطاله دادرسی، آ. د. ک جدید، دادستان کل، ضابط.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

**مقدمه**

تأسیس حقوقی دادستان مولود زندگی اجتماعی است چرا که فرد نیاز به دادستان ندارد، هرکس به عنوان یک شخص حقیقی باید بتواند در قبال حوادث طبیعی و احیاناً تجاوزهای فرد دیگر از خویش دفع ضرر کند اما وقتی جامعه شکل می‌گیرد با تولد شخصیت حقوقی جامعه، اندیشه‌های قضایی متوجه کسی می‌شود که بتواند دفع ضرر از جامعه را متکفل شود. چنین کسی همان دادستان است. در قوانین سابق و لاحق تعریفی از دادستان وجود ندارد لیکن از مجموعه قوانین اصول تشکیلات عدلیه، آیین دادرسی و دیگر قوانین اخیر این قدر به دست می‌آید که: صاحب منصب پارکه، مدعی‌العموم، وکیل جماعت یا دادستان کسی است که در رأس اداره مدعیان عمومی حفاظت از حقوق عامه و نظارت براجرای قوانین را برعهده دارد و در همان حال ضمن ریاست برضابطان دادگستری و وکلای عمومی و مسنطقان کلیه ترتیبات و اعمال هر پارکه با مدعی‌العموم آن پارکه می‌باشد اعم از پارکه دیوان عالی تمیز، پارکه بدایت، پارکه نظامی، پارکه انقلاب یا پارکه ویژه روحانیت و پارکه دادگاه دادگاه عالی انتظامی.

بار تعقیب و دادرسی بر عهده دادگاه و دادسرا است و فرد شاخص دادسرا، دادستان است و فرد شاخص دادگاه قاضی نشسته که می‌تواند دادرس باشد یا رئیس محکمه. اما دادستان عمومی کسی است که به تنهایی به نمایندگی از جامعه باید راه را بربسیاری از قانون‌شکنی‌ها، بی‌عدالتی‌ها، ظلم‌ها و تعدی‌ها بگیرد. دادستان همیشه در کنار مظلوم می‌ایستد تا در برابر ستمکار و ظالم به حمایت از او برخیزد. دادستان‌ها چه عمومی باشند و چه اختصاصی وجه مشترکی دارند که همانا اقامه دعوا و تعقیب مجرم و اجرای مجازات و نظارت بر نحوه اجرای قانون در محکمه‌ای است که نزد آن مأموریت دارند. نقش اصلی دادستان در ایفای وظایف قانونی وی بیشتر در قانون مجازات، در امور زندان، در امور بین‌الملل، در امور اداری، در امور حسبی و در امور اجرایی تجلی می‌یابد. در این عرصه‌ها حضور دادستان با واژه‌ها و تعبیراتی از قبیل دخالت، دستور، وظیفه، اطلاع، درخواست، ارجاع، استرداد، اجازه و اختیار، اعطاء و حق توصیف شده است. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۷۸)

پژوهش حاضر وظایف دادستان را در دادگاه‌های عمومی جزایی مورد بررسی قرار می‌دهد که شمول این موضوع می‌تواند نهاد دادسرا و دادگاه‌های کیفری استان و یا دادگاه تجدید نظر را نیز در برگیرد.

## ادبیات تحقیق

### ۱- مفهوم اصطلاحی دادستان

در اصطلاح دادگستری، مدعی العموم، وی بر اداره‌ی دادسرا ریاست می‌کند و وظیفه‌ی کلی او تعقیب جرم و دخالت در موارد ابلاغ ونظارت در حسن اجرای قوانین است.

دادستان یا مدعی‌العموم، مقامی که برای حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین و تعقیب کیفری بزهکاران بر اساس مقررات انجام وظیفه می‌نماید. در هر دادسرا، دادستان رئیس دادسرا است.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

دادستان بنام جامعه، جرائم را تحت تعقیب قرار می‌دهد. ارجاع پرونده به بازپرس و اظهارنظر در مورد کلیه قرارهای دادیار و قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، صدور کیفر خواست و حضور در دادگاه مربوطه، از جمله وظایف و اختیارات دادستان است.

## ۲- وظایف دادستان

بیش از ۳۰ وظیفه دارد که برخی از آن در امور احوال شخصیه و امور حسبی است و ۱۵ مورد از وظایف دادستان از دیدگاه آئین دادرسی کیفری است:

۱- ریاست و نظارت بر دادسرا و ریاست و نظارت برضابطان دادگستری

ـ ارجاع پرونده به بازپرس و اظهار نظردر مورد برخی از قرارهای بازپرس

۲- اظهار نظردر مورد برخی از قرارهای بازپرس و اظهار نظر در مورد کلیه قرارهای دادیار

۳- نظارت بر تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست و حضور در دادگاه و دفاع از کیفرخواست

ـ انجام تحقیقات مقدماتی و صدور قرار تعلیق تعقیب

ـ اجرای احکام کیفری و اعاده دادرسی

ـ صدور حکم به رفع تصرف عدوانی

## جایگاه دادستان در کشورهای جهان و عرف بین‌الملل

دادستان در عمده نظام‌های قضایی دنیا نقش برجسته و بااهمیتی دارد؛ گاهی به عنوان مدافع حقوق دولت (وکیل‌الدوله) و گاهی به عنوان مدافع حقوق ملت (وکیل‌المله) و گاهی در جهت احقاق حقوق ملت و دولت، توأمان ایفای نقش می‌کند.

در برخی کشورها به عنوان عضوی از کابینه (وزیر دادگستری) و در برخی به عنوان رأس دستگاه قضایی یا یکی از ارکان آن با تشخص شناخته می‌شود.

از نظر تطبیقی دادسرا به عنوان ارگانی که کنترل اقدامات دستگاه‌های پلیس را عهده‌دار باشد، برای نخستین بار در مجموعه قوانین تحقیقات جنایی ۱۸۰۸ فرانسه پدیدار شد و سپس توسط کشورهای آلمان، هلند، سوئیس، اتحاد جماهیر شوروی سابق، ایتالیا، اسپانیا و کشورهای آمریکای لاتین و برخی کشورهای آسیایی و آفریقایی پذیرفته شد. در ایران هم دادسرا با نام اداره مدعی عمومی به موجب قانون سال ۱۳۲۸ قمری، تأسیس شد. به طور خلاصه موقعیت دادسرا در این کشورها به عنوان یک نهاد قضایی، آماده‌سازی کیفرخواست عمومی و تسهیل رسیدگی دادگاه است.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

### ۳- نقش دادستان در رسیدگی به جرایم

قوانین باید از لحاظ شیوه تقنین و اجرا مشروع باشد و باید بین دو اصل مهم ثبات و انعطاف‌پذیری تعادل مناسبی را ایجاد کنیم، حاکمیت قانون مستلزم رعایت انصاف در تمامی موارد از جمله در حصول اطمینانی تساوی همه در برابر قانون، رعایت قانون از سوی حاکمان به منظور جلوگیری از خودکامگی، احترام به موازین حقوق بشر، مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و قطعیت و شفافیت قانون می‌باشد.

لزوم مشروعیت روند قانونگذاری، استقرار یک قوه قضاییه مستقل و کارآمد، وجود یک نهاد دادستانی کارآمد و مبتنی بر موازین انصاف و عدالت که خود را نسبت به رعایت قانون و حقوق بشر ملزم بداند و وجود نهادهای منصف مجری قانون که تحت نظرات باشند و تصمیمات آنها قابل بازنگری در مراجع تجدید نظر باشد، از مصادیق حاکمیت قانون خواهد بود.

در کنار ویژگی‌های مذکور، قوانین نیز باید جامع، واضح، قاطع و قابل دسترسی باشند و از لحاظ شیوه تقنین و اجرام شروع بوده و میان ۲ اصل مهم ثبات و انعطاف‌پذیری تعادل مناسبی را ایجاد کنند.

حاکمیت قانون مستلزم وجود شیوه‌هایی برای حصول اطمینان از تفوق قانون، تساوی در برابر قانون و پاسخگو بودن در قبال آن، رعایت عدالت و انصاف در اجرای قانون، تفکیک قوا، مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، قطعیت قانون، اجتناب از خودکامگی و شفافیت در اجرای قوانین از لحاظ شکلی و ماهوی است.

نقش و وظایف دادستان‌ها را با توجه به نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است. دادستان‌ها ممکن است نقش کمتر و یا بیشتری در رسیدگی به جرایم داشته باشند و این امر موجب تفاوت نوع ارتباط با پلیس در نظام‌های حقوقی مختلف می‌گردد.

در برخی از کشورها دادستان‌ها انتخابی و در بعضی دیگر انتصابی، در برخی از سیستم‌های عدالت کیفری دادستان‌ها به جای آن که از لحاظ سلسله مراتب تحت نظر یک مقام اجرایی مثل وزیر دادگستری قرار داشته باشند، بخشی از قوۀ قضاییه را تشکیل می‌دهند. این امر آنها را در قبال مداخلات سیاسی مصون‌تر می‌سازد و باعث می‌شود آنها بهتر بتوانند به سوءاستفاده مدیران از قدرت فساد مالی آنان رسیدگی کنند و پیش از توجه به مصالح دولت، به اعمال عدالت کیفری و تضمین حاکمیت قانون بیندیشند. (صادقی، پرتال جامع دادستانی کل کشور).

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

**وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با ایفای نقش مدعی‌العمومی**

از زمانی که نظام مختلط در فرآیند دادرسی کشورمان پذیرفته شد و نهاد تعقیب از نهاد رسیدگی و اصدار حکم منفک گردید، دادسرا در معیت دادگاه قرار گرفت و موضوع پیگیری جنبه عمومی جرم بر عهده نهادی به عنوان «اداره مدعی العمومی» واگذار گردید.

با تدوین قانون موقتی اصول محاکمات جزائی (۹ رمضان ۱۳۳۰ ه. ش) قاعده اعلام جرم عمومی در کشور ما پذیرفته شد و به نهاد دادسرا واگذار گردید؛ چنانچه ماده ۱۹ قانون آین دادرسی کیفری مقرر می‌داشت: «مدعی‌العمومی، رئیس ضابطین عدلیه محسوب است ولی مأموریت مخصوص و عمده او، تعقیب امور جزائی است».

لذا در مواردی که جرم صرفنظر از مطالبه ضرر و زیان شخصی، واجد حیثیت عمومیت نیز بوده و از جنبه عمومی برخوردار است؛ مدعی‌العموم باید به نیابت از جامعه به اعاده و استیفای حقوق مردم برخیزد.

بنابر ماده ۵۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه، مدعی‌العموم [وکیل جماعت] در رأس دادسرا قرار گرفته و اقامه دعوی و تعقیب جرایم از حیث حقوق عمومی (ماده ۳ قانون موقتی اصول محاکمات جزائی) بر عهده وی قرار می گرفت.

با حذف دادسرا از مراجع عمومی- رسیدگی (در سال ۱۳۷۳)، وظایف و اختیارات دادستان به رؤسای محاکم و رئیس حوزه قضائی مربوطه واگذار گردید؛ لهذا ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب چنین مقرر داشت:

«تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضائی می‌باشد و. . .».

بنابراین حتی اگر فعل یا ترک فعل مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های دولتی و حکومتی نیز منجر به تحدید آزادی جامعه شده و ایشان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، دادستان کل بعنوان مدعی‌العموم می‌تواند اقدامات مقتضی را به انجام رساند. (پرتال جامع دادستانی کل کشور، وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با ایفای نقش مدعی‌العمومی)

**٤- وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با ایفای نقش مدعی‌العمومی**

ـ با به رسمیت شناختن قاعده اعلام جرم عمومی و تفکیک جنبه حق اللهی، جرایم از جنبه خصوصی جرم در حقوق اسلام، این تمیز و جدایی در قوانین کشورمان نیز نمود یافت و دعوای عمومی، مختصاتی جدا از دعوای خصوصی پیدا کرد.

ـ از زمانی که نظام مختلط در فرآیند دادرسی کشورمان پذیرفته شد و نهاد تعقیب از نهاد رسیدگی و اصدار حکم منفک گردید، دادسرا در معیت دادگاه قرار گرفت و موضوع پیگیری جنبه عمومی جرم بر عهده نهادی به عنوان «اداره مدعی العمومی» واگذار گردید.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

ـ با تدوین قانون موقتی اصول محاکمات جزائی (۹ رمضان ۱۳۳۰ ه. ش) قاعده اعلام جرم عمومی در کشور ما پذیرفته شد و به نهاد دادسرا واگذار گردید؛ چنانچه ماده ۱۹ قانون آین دادرسی کیفری مقرر می‌داشت:

«مدعی‌العمومی، رئیس ضابطین عدلیه محسوب است ولی مأموریت مخصوص و عمده او، تعقیب امور جزائی است».

لذا در مواردی که جرم صرف‌نظر از مطالبه ضرر و زیان شخصی، واجد حیثیت عمومیت نیز بوده و از جنبه عمومی برخوردار است؛ مدعی‌العموم باید به نیابت از جامعه به اعاده و استیفای حقوق مردم برخیزد.

بنابر ماده ۵۰ قانون اصول تشکیلات عدلیه، مدعی‌العموم [وکیل جماعت] در رأس دادسرا قرار گرفته و اقامه دعوی و تعقیب جرایم از حیث حقوق عمومی (ماده ۳ قانون موقتی اصول محاکمات جزائی) بر عهده وی قرار می‌گرفت.

با حذف دادسرا از مراجع عمومی- رسیدگی (در سال ۱۳۷۳)، وظایف و اختیارات دادستان به رؤسای محاکم و رئیس حوزه قضائی مربوطه واگذار گردید؛ لهذا ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی انقلاب چنین مقرر داشت:

«تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضائی می‌باشد و. . .».

اما پس از احیای دادسرا به موجب ماده ۱۰ آئین‌نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (مصوب ۸۱/۷/۲۷) این وظایف دوباره به دادستان محول گردید.

بر این اساس احقاق و استیفای حقوق عمومی بر عهده دادستان است که با توجه به صلاحیت محلی وی، توسط مقنن عهده‌دار امر تعقیب شناخته شده است.

قابل ذکرست دادستان کل بعنوان مدعی‌العموم در گستره کشوری عمل می‌کند و اختیارات دادستان‌های عمومی که بصورت میدانی و عملیاتی اقدام می‌کنند قابل اعمال از سوی وی نیست؛ لذا می‌تواند تعقیب متهم یا متهمین را از دادستان عمومی (دادستان جزء) تقاضا کند، اما مجاز نیست که اقدامات تعقیبی را به جانشینی مدعی‌العموم مربوطه که صلاحیت محلی تعقیب جرایم را دارد انجام دهد؛ ضمانت اجرای عدم اطاعت دادستان‌های جزء از مقام ما فوق در عمل می‌تواند بصورت تعقیب انتظامی و یا تغییر سمت و مأموریت دادستان متخلف به دستور مقام ذیصلاح بروز و پیدا کند.

بر این اساس دادستان کل کشور بعنوان مدعی‌العموم در گستره کشوری می‌تواند در مواردی که هر فعل یا ترک فعلی در عرصه ملی، جامعه را متضرر ساخته به طرفیت و به نیابت از جامعه از دادستان‌هایی که شأنیت و صلاحیت عملیاتی دارند بخواهد به تعقیب عاملان مزبور مبادرت نمایند.

با عنایت به نظارتی که وفق ماده ۱۷ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری (مصوب ۶۵/۳/۲۵) برای دادستان کل منظور شده است و با امعان نظر به اصل ۱۶۱ قانون اساسی و استفساریه شورای محترم نگهبان

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

در خصوص نظارت دیوانعالی و دادسرای آن (دادستانی کل) بر قانونی بودن مراحل دادرسی (در دادگستری‌ها و دادسراها) و نیز اختیارات مفوضه ریاست قوه قضائیه به دادستانی کل کشور(مورخ ۸۳/۸/۲)، دادستان کل کشور می‌تواند نسبت به ایفای نقش مدعی‌العمومی درگستره کشوری به احسن وجه انجام وظیفه نماید و در صورتیکه اهرمهای عملیاتی وی (دادستان‌های سراسر کشور) از انجام امور محوله توسط دادستان کل استنکاف ورزیدند از ضمانت اجرای خاص خویش(تعقیب انتظامی ـ تغییر سمت یا مأموریت و. . .) اقدام نماید.

بنابراین حتی اگر فعل یا ترک فعل مقامات و مأمورین وابسته به نهادها و دستگاه‌های دولتی و حکومتی نیز منجر به تحدید آزادی جامعه شده و ایشان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید، دادستان کل بعنوان مدعی‌العموم می‌تواند اقدامات مقتضی را به انجام رساند. (پرتال جامع دادستانی کل کشور، وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با ایفای نقش مدعی‌العمومی)

## ۵- وظایف دادستان کل در خصوص احیای حقوق عامه

وفق بند ۲ اصل ۵۶ قانون اساسی احیای حقوق عامه از جمله وظایف خطیر دستگاه قضایی است. قانون اساسی به صورت تمثیلی بیش از ۷۰ مورد از مصادیق حقوق عامه را احصاء نموده است.

با نگاهی به قانون اساسی در می‌یابیم که ۳ فاز نسبت به حقوق عامه ملحوظ نظر مقنن قرار گرفته است:

۱- ایفاء و ادای حقوق عامه ۲- احقاق و استیفای حقوق عامه ۳- احیاء و اقامه حقوق عامه.

با توجه به نقش و جایگاه قضایی مدعی‌العموم این رسالت معطوف به این منصب عالی قضایی است. اگرچه در قوانین موضوعه در نظم حقوقی کنونی صراحتاً احیای حقوق عامه موضوع بند دوم اصل ۱۵۶ قانون اساسی به دادستان کل تکلیف نگردیده اما به نظر جایگاه اصلی و مصدر حقیقی دادستان کل ایفای نقش مدعی‌العمومی است چرا که بیشترین سنخیت بین «مأمور» و «مأموربه» را داراست و از طرفی در قانون اصول تشکیلات عدلیه که هنوز موادی از آن بقوت خود باقی بوده و نسخ نگردیده است به صراحت دادستان کل به عنوان مدعی‌العموم و مسئولیت اساسی وی حفظ حقوق عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین معرفی و بیان گردیده است.

## ٦- وظایف و مسئولیت های دادستان کل کشور در رابطه با رئیس قوه قضائیه

۱- اعلان نظر مشورتی در مورد تغییر سمت یا محل خدمت قاضی

۲- عضویت در محکمه عالی انظامی قضات موضوع قانون تشکیل محکمه عالی انتظامی قضات مصوب

۳- پیشنهاد رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

### ۷- وظایف و مسئولیت های دادستان کل کشور در رابطه با دیوانعالی کشور

**به موجب این قانون:** محکوم علیه می‌تواند احکام قطعیت یافته هر یک از محاکم را که قابل در خواست تجدید نظر بوده از تاریخ ابلاغ حکم ـ تا یک ماه از دادستان کل کشور در خواست رسیدگی بنماید. دادستان کل کشور در صورتی که حکم را مخالف بین با شرع یا قانون تشخیص دهد از دیوان عالی کشور درخواست نقض می‌نماید. دیوان عالی کشور در صورت نقض حکم رسیدگی را به دادگاه هم عرض ارجاع می‌دهد؛ رأی دادگاه در غیر موارد مذکور در ماده ۱۸غیرقابل اعتراض و درخواست تجدیدنظر است.

### ۸- درخواست صدور رأی وحدت رویه:

الف ـ ماده ۲۰ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶

ب ـ قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸

ج ـ ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری

د ـ ماده ۴۳ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

هـ ماده ۴۲ قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹

### ۹- درخواست اعاده دادرسی:

ماده ۲۴ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری اصلاحی ۱۳۵۸: «اشخاص زیر حق در خواست تجویز اعاده دادرسی دارند:

۱- محکوم علیه و نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وارث قانونی او و یا کسانی که از طرف او برای درخواست تجویز اعاده دادرسی مأموریت خاص یافته‌اند.

۲- دادستان کل کشور

۳- دادستان مجری حکم با موافقت دادستان کل کشور

### ۱۰- موافقت با درخواست اعاده دادرسی دادستان مجری حکم:

ماده ۲۴ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۸

اشخاص زیر حق درخواست تجویز اعاده دادرسی دارند:

۱- محکوم علیه و نماینده قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وارث قانونی او و یا کسانی که از طرف او برای درخواست تجویز اعاده دادرسی مأموریت خاص یافته‌اند.

۲- دادستان کل کشور

۳- دادستان مجری حکم با موافقت دادستان کل کشور

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

۴- حق درخواست تجدیدنظر از احکام جزائی

تبصره ماده ۴۲ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸:

«دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رأی دادگاه می‌تواند به یک یا چند جهت پیش بینی شده برای تجدید نظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی‌حق قرار گرفته تقاضای تجدید نظر نماید».

## ۱۱- وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با دادسراها

**اصل ۱۶۱ قانون اساسی و استفساریه شورای محترم نگهبان:** بموجب اصل ۱۶۱ قانون اساسی «دیوان عالی کشور به منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضائی و انجام مسئولیت‌هایی که طبق قانون به آن محول می‌شود براساس ضوابطی که رئیس قوه قضائیه تعیین می‌کند تشکیل می‌گردد». ذکر این مهم که آیا دیوان عالی کشور اعم از دیوان و دادسرای دیوان است سؤالی است که در پی استفساریه از شورای محترم نگهبان مورد عنایت واقع شده:

در این رابطه دادستان کل تازه منصوب سؤالی از شورای نگهبان کرد شورای نگهبان در ۶۹/۴/۱۰ پاسخی داد که عیناً ا شماره ۶۹/۵/۲۴/۱۳۲۳۷ روزنامه رسمی نقل می‌گردد «شورای محترم نگهبان- با عنایت به اینکه طبق قوانین موجود که قسمتی از آن به ضمیمه ارسال می‌گردد) نظارت بر دادسراها و محاکم با دادسرای دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور است و از سوی دیگر بر مبنای استنباط ا اصل ۱۶۱ قانون اساسی واجد نظارت بر محاکم زیرنظر ریاست محترم دیوانعالی کشور تشکیل شده است. خواهشمند است اعلان نظر بفرمائید: ۱- دیوانعالی کشور در اصل مذکور شامل دادسرای دیوان هم هست یا خیر؟ ۲- در صورتیکه دیوانعالی کشور شامل دادسرای دیوان هم باشد، نظارت ریاست دیوان بر محاکم نیاز به قانون دارد یا طبق همین اصل ریاست دیوان می تواند در عرض دادسرای دیوان نظارت بر محاکم داشته باشد؟ دادستان کل کشور»

## ۱۲- وظایف و اختیارات دادستان کل کشور در رابطه با دادسرای انتظامی قضات

۱- دستور تعقیب و بازرسی عملکرد قضات به دادسرای انتظامی قضات:

ماده ۳۷ لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۳۳۳:

«جهات زیر موجب شروع به بازرسی و تعقیب خواهد بود.

۱- شکایت ذینفع

۲- اعلام و گزارش مراجع رسمی

۳- اعلام وزیر دادگستری یا دادستان کل

۴- مشهودات و مسموعات و اطلاعات دادستان انتظامی قضات یا دادیاران آن

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

۵- ارجاع دادگاه عالی انتظامی»

۶- حل اختلاف بین دادستان و دادیار دادسرای انتظامی قضات:

### ۱۳- وظائف و اختیارات دادستان کل کشور در رابطه با محاکم تالی

۱- تائید یا نقض احکام اعدام صادره از دادگاه های انقلاب در مورد جرائم مواد مخدر

۲- تجدیدنظر نسبت به سائر احکام دادگاه های انقلاب در مورد جرائم مواد مخدر:

### ۱٤- وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با پیشگیری از جرم

۱- اختیارات مفوضه ریاست قوه قضائیه

۲- ریاست شورای مرکزی ستادهای پیشگیری و حفاظت اجتماعی:

۳- ریاست ستادهای پیشگیری و مبارزه با جرایم خاص «دستورالعمل ریاست قوه قضائیه» مبنی بر تشکیل ستادهای پیشگیری در سراسر کشور با محوریت دادستان مرکز استان

۴- عضویت در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم (قانون اخیر التـصویب پیشگیری از وقـوع جرم)

### ۱۵- وظایف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با امور اراضی و منابع طبیعی

در راستای حفاظت از اراضی ملی و منابع طبیعی و حمایت از حقوق عمومی و پیشگیری از تخریب و تصرف اراضی و منابع طبیعی و در اجرای اصول ۴۵، ۴۹، ۵۰ و ۱۵۶ قانون اساسی، شورایی به نام «شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور راضی و منابع طبیعی، در سال ۸۳ و با دستور رئیس قوه قضایه تشکیل شد.» متعاقباً بمنظور اجرای مصوبه ۸۳/۴/۲۷ ریاست محترم قوه قضائیه و در جهت اجرایی کردن تدابیر و تصمیمات شورا، دستورالعملی تدوین گردید که که به موجب آن شورای حفظ حقوق بیت المال با هداف حفـظ حقوق عامه و برخورد قاطع با افرادی که بمنظور تحصیل مال نامشروع و زمین‌خواری، مرتکب تصرف ـ تخریب و تجاوز به اراضی و املاک دولتی و عمومی و منابع طبیعی و انفال می‌شوند و با سندسازی قصد تصاحب آن را دارند یا مواردی که بدون رضیت و مغایر با منافع عمومی زمین‌های زراعی ـ باغ‌ها، فضای سبز، جنگل‌ها و مراتع، تغییر کاربری داده می‌شود رسیدگی به جرایم موضوع زمین خواری را بصورت ویژه و تخصصی به محاکم ذیربط ارجاع دهد.

به موجب ماده ۳ و ۵ این دستورالعمل دادستان کل کشور دبیر شورای حفظ حقوق بیت‌المال بوده و مسئول تشکیل و اداره شورا و پیگیری مصوبات و نظارت بر هماهنگی بر کلیه تشکیلات شورا و ایجاد هماهنگی بین نهادهای مسئول را بر عهده خواهد داشت دبیرخانه این شورا در دادستانی کل کشور مستقر گردیده و پیگیر امور محوله خواهد بود به موجب ماده ۸ این دستورالعمل وظایف و اختیارات شورا به شرح ذیل است:

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

**ماده ۸ ـ شرح وظایف و اختیارات:**

۱- شناسائی متجاوزین و تخریب‌کنندگان به املاک دولتی و عمومی (موضوع مواد ۱۲ و ۱۳ قانون زمین شهری) و منابع طبیعی موضوع قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع و فضاهای سبز و باغات و مواد موضوع ماده یک لایحه قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها و قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغها و انفال (موضوع اصل ۴۵ قانون اساسی) و معرفی آنان به مراجع قضایی و پیگیری موضوع تا حصول نتیجه.

۲- شناسایی جاعلین اسناد مربوط به املاک مزبور و استفاده کنندگان از آن به قصد خرید و فروش و سودجویی و معرفی مرتکبین به مرجع قضایی

۳- جلوگیری از تغییر کاربری، متقلبانه یا غیر قانونی اراضی زراعی و باغها

۴- شناسائی متجاوزین به حریم و بستر دریاچه و رودخانه‌ها و سدها و گسل‌ها

۵- جلوگیری از رانت خواری و حیف و میل اراضی ملی و دولتی و عمومی

۶- شناسایی متجاوزین به اراضی بلاصاحب و بلاوارث و معرفی آنها به مرجع قضایی و انجام اقدامات لازم جهت رفع تجاوز از اراضی مزبور

۷- اخذ و جمع آوری اطلاعات مربوط به اراضی ملی، دولتی، عمومی، بلاصاحب و بلاوارث

۸- انجام هر گونه اقدام لازم جهت حفظ و جلوگیری از تصرفات و تخریب و ساخت و سازهای غیرمجاز و عنداللزوم علامت گذاری، حصار کشی، نصب تابلو در اراضی مذکور

۹- تشکیل کمیته های کاری شامل: (واحد هماهنگی اطلاعات، واحد عملیات و اجرا، واحد حقوقی و قضائی) و سامان‌دهی کمیته‌های مزبور به منظور کشف و تعقیب جرائم فوق الذکر و ارائه گزارش به شورا شامل معاونین و کارشناسان عضو شورای حفظ حقوق بیت المال

۱۰- اعضای شورای مرکزی می بایست بر اساس وظایف ذاتی نمایندگان خود را در کمیته‌های فرعی معرفی و شرح وظایف و اختیارات هر یک از کمیته های کاری در شورای مرکزی تبیین گردد.

۱۱- نظارت بر عمکرد کمیته‌های فرعی و تعیین وظایف و احصاء حدود اختیارات و حوزه عملکرد آنها.

## ۱۶- وظائف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در خصوص جرایم فضای سایبر

ریاست کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه فضای سایبر بموجب ماده ۲۲ این قانون:

ماده (۲۲) قوهٔ قضائیه موظف است ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون کمیته تعیین مصادیق محتوای مجرمانه را در محل دادستانی کل کشور تشکیل دهد. وزیر یا نمایندهٔ وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، اطلاعات، دادگستری، علوم، تحقیقات و فناوری، فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس سازمان صدا و سیما و فرمانده نیروی انتظامی، یک نفر خبره در فناوری اطلاعات و ارتباطات به انتخاب کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک نفر

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی به انتخاب کمیسیون حقوقی و قضایی و تأیید مجلس شورای اسلامی اعضای کمیته را تشکیل خواهند داد. ریاست کمیته به عهده دادستان کل کشور خواهد بود.

## ـــ وظائف و مسئولیت‌های دادستان کل کشور در رابطه با سایر سازمان‌ها و امور نظارتی

الف) در مورد زندان‌ها

### ۱- حق ورود به زندان‌ها

تبصره ۱ ماده ۳۱ آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرائی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی کشور مصوب ۱۳۷۲:

«مقامات مجاز برای ورود به زندان‌ها و مؤسسات تامینی و تربیتی عبارتند از: رئیس قوه قضائیه، وزیر دادگستری رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رئیس سازمان، قائم مقام و معاونین او، مدیران کل زندان‌ها و معاونین آنها، بازرسان اعزامی قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها، بازرسان کل کشور طبق ابلاغ صادره، رؤسای دادگستری، دادستان‌ها، دادیاران ناظر زندان رئیس دادگاه بخش مستقل و رؤسای دادگاه‌ها در ارتباط با پرونده‌های مطروحه نزد آنان در حوزه قضائیه خود».

### ۲- تعیین نماینده جهت عضویت در هیأت مدیره انجمن حمایت زندانیان تهران

ماده ۱۳ اساسنامه انجمن‌های حمایت زندانیان اصلاحی مصوب ۱۳۶۸:

«هیأت مدیره در تهران از اشخاص زیر تشکیل می شود:

نماینده دادستان کل کشور، دادستان عمومی تهران، دادستان انقلاب اسلامی تهران، رئیس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و ۳ نفر معتمد به انتخاب رئیس سازمان زندان‌های کشور».

ب) در مورد ستاد مبارزه با مواد مخدر

### عضویت در ستاد مبارزه با مواد مخدر

(شرکت در کمیسیون مرکزی فروش ـ معاضدت قضائی ـ هدایت عملیاتی و امور بین‌المللی و امور حقوقی)

ماده ۳۳ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶:

«به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل و مبارزه با تولید و خرید و فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرائی و قضائی در این ستاد متمرکز می شود. اعضای ستاد به شرح زیرند:

۱- رئیس جمهور که رئیس ستاد خواهد بود و می‌تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر یکی از معاونان خود را بنمایندگی تعیین نماید.

۲- دادستان کل کشور

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

۳- وزیر کشور

۴- وزیر اطلاعات

۵- وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی

۶- مدیر عامل صدا و سیما

۷- فرمانده مرزی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اصلاحی ۱۳۷۱)

۸- دادستان انقلاب اسلامی تهران (اصلاحی ۱۳۷۱)

۹- سرپرست سازمان زندان‌ها و اقدامات تامینی و تربیتی

۱۰- وزیر آموزش و پرورش

شایان ذکر است دبیرخانه ستاد مرکزی هماهنگی قضائی ـ انتظامی مبارزه با مواد مخدر نیز در دادستانی کل کشور مستقر می‌باشد.

ج) در مورد کانون وکلای دادگستری

**احاله پرونده تخلف اعضاء هیأت مدیره کانون وکلاء و دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء به دادگاه عالی انتظامی قضات**

**الف ـ ماده ۲۱ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳:**

«در مواردی که وزیر دادگستری در امور مربوط به وظائف یکی از افراد هیأت مدیره کانون و یا دادرسان و دادستان دادگاه انتظامی وکلاء تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به امر را به دادستان دیوان عالی کشور ارجاع می نماید. دادستان کل به وسیله‌ای که مقتضی بداند تحقیقات نموده در صورتیکه تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهد نمود».

**ب ـ ماده ۹۶ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳٤:**

«مرجع شکایت انتظامی از دادرسان دادگاه انتظامی و دادستان و معاونین ایشان و رؤساء و اعضاء شعب و کمیسیون‌ها راجع به انجام وظائفشان هیأت مدیره است و در صورت احراز تخلف پرونده نزد دادستان کل فرستاده می‌شود که به ترتیب مقرر در ماده ۲۱ لایحه استقلال کانون عمل شود».

**د) در مورد کارشناسان رسمی:**

احاله پرونده تخلف دادستان یا اعضاء دادگاه انتظامی کارشناسان به دادگاه عالی انتظامی قضات

ماده ۲۱ لایحه قانونی مربوط به استقلال کانون کارشناسان رسمی مصوب ۱۳۵۸:

«در مواردی که وزیر دادگستری از دادستان انتظامی یا اعضاء دادگاه انتظامی تخلفی مشاهده نماید رسیدگی به آن را به دادستان کل کشور ارجاع می نماید دادستان کل بوسیله مقتضی تحقیقات لازم را

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

نموده در صورتی که تخلف را محرز دانست پرونده را به منظور رسیدگی به دادگاه عالی انتظامی قضات احاله خواهند نمود و رأی دادگاه قطعی است».

### هـ) امور نمایندگی‌ها و عضویت در مجامع و کمیسیون‌های مرتبط با حقوق عامه:

### ۱- عضویت مجمع عمومی سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی:

ماده ۱۲ قانون تأسیس سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی و اساسنامه آن مصوب ۱۳۷۰:

«اعضاء مجمع عمومی عبارتند از:

ـ وزیر امور اقتصادی و دارائی (رئیس مجمع عمومی)

ـ وزیر دادگستری

ـ وزیر کشور

ـ رئیس سازمان برنامه و بودجه

ـ دادستان کل کشور».

### ۲- عضویت در شورای مشورتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران:

ماده ۲ قانون تأسیس وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۲:

«به منظور انجام مشورت‌های لازم جهت هماهنگی امور اجرائی اطلاعات، درحدود قانونی هرارگان شورائی مرکب از اعضای زیر تشکیل می‌گردد:

ـ وزیراطلاعات

ـ دادستان کل کشور

ـ وزیر کشور یا نماینده تام الاختیار او

ـ مسؤول حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران

ـ مسؤول واحد اطلاعات سپاه پاسداران

ـ مسؤول حفاظت اطلاعات ارتش

ـ مسئول واحد اطلاعات ارتش

ـ وزیر امورخارجه یا نماینده تام الاختیار او

ـ مسؤول حفاظت اطلاعات نیروهای انتظامی».

### ۳- عضویت در کمیسیون قانون خرید اراضی کشاورزی:

تبصره ۱ ماده واحده قانون خرید اراضی کشاورزی برای تأمین نیازمندی‌های صنعتی و معدنی مصوب ۱۳۴۸:

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

«بهای اراضی و حق ریشه و مستحدثات و اعیان متعلقه و مال الاجاره از طریق توافق بین مالکین یا زارعین و واحدهای صنعتی یا معدنی تعیین می‌شود. در صورت عدم توافق بهای مذکور براساس قیمت عادله روز به وسیله کمیسیون مرکب از وزیر اقتصاد، وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی دادستان کل کشور یا معاونین آنها با جلب نظر کارشناس تعیین خواهد شد.

حضور زارع یا مالک یا نمایندگان آنها در کمیسیون بلامانع است و رأی کمیسیون قطعی است».

### ٤- تعیین نماینده جهت کمیسیون موضوع ماده ۲ لایحه قانونی متمم قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران:

ماده ۲ لایحه قانونی متمم قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران و آیین‌نامه اجرائی آن مصوب ۱۳۵۹:

«نظر به اینکه نام بعضی از سهامداران مؤسسات تولیدی در لیست مشمولین بند (ب) قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران منظور نگردیده است لکن لازم است وضع سهامشان روشن گردد لذا مقرر گردید یک هیئت پنج نفری مرکب از نماینده دادستانی کل کشور، نماینده سازمان اداره کننده مؤسسه، یک نماینده از سوی مجلس شورای اسلامی یک نفر حاکم شرع و همچنین نماینده ریاست جمهوری مأمور رسیدگی به وضع آنان گردد، نام این اشخاص توسط دادستانی کل کشور و یا وزارت صنایع و معادن به هیئت مذکور ارائه می‌گردد از تاریخ ارائه نام اشخاص مزبور هیئت موظف است ظرف مدت سه ماه نظر قطعی خود را در مورد مالکیت و مطالبات اشخاص مزبور از شرکتهای مشمول اعلام نماید. رأی این هیئت به اکثریت آراء قطعی است».

### ٥- عضویت در هیأت موضوع ماده ۳ لایحه قانونی اصلاح ماده ۳ قانون خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی:

ماده ۳ قانون خرید اراضی و ابنیه و تاسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی اصلاحی ۱۳۴۷:

«هرگاه نسبت به بهای اراضی و ابنیه و تأسیسات بین وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مالک یا مالکان توافق حاصل نشود، بهای اراضی و ابنیه و تأسیسات مذکور به وسیله هیئتی مرکب از وزیر کشور، دادستان کل، رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک یا نمایندگان آنها با توجه به نظر کارشناس تعیین خواهد شد و در استانها این هیئت مرکب خواهد بود از استاندار، رئیس دادگستری استان و مدیر کل ثبت اسناد استان. تصمیم این هیئت‌ها قطعی است و در این مورد علاوه بر قیمت تعیین شده پنج درصد نیز اضافه پرداخت خواهد شد و هرگاه مالک در ملک مورد معامله ساکن باشد علاوه بر پنج درصد فوق ده درصد دیگر به قیمت تعیین شده افزوده خواهد شد و هرگاه محل اعاشه او منحصر به درآمد آن ملک باشد پانزده درصد دیگر به قیمت تعیین شده نیز از این بابت به او پرداخت خواهد گردید».

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

## نتیجه‌گیری

با توجه به نقش کلیدی دادستان در فرآیند دادرسی کیفری و بعد از صدور حکم می‌توان بر اساس مستندات موجود در قانون اصلاح تشکیل دادگاهای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ و قانون ا. د. ک جدید مصوب ۱۳۹۲ هر چند عدم حضور دادستان در محاکم عمومی جزایی و در عرف محاکم و روند دادرسی کیفری نادیده انگاشته شده است بلکه بسیار مهم و کلیدی بوده و عدم حضور دادستان در جلسه دادرسی منجر به نقض دادنامه و غیر قانونی بودن آراء می‌باشد و اینکه حضور دادستان در روند کیفری اعم از دادگاه و دادسرا در حقوق ایران تضمین‌کننده عدالت کیفری و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندی است و سیر تاریخی پیدایش دادستان نیزمؤید این امر می‌باشد.

در واقع دادستان به عنوان طرف دعوا در دادرسی قرار می‌گیرد و دادرس به عنوان قاضی بی‌طرف رسیدگی می‌نماید در واقع این موضوع نشئت گرفته از وظیفه ذاتی دادستان که همان تعقیب دعوای عمومی و نظارت بر حسن اجرای قوانین می باشد، که از مرحله کشف جرم آغاز شده و تا اجرای حکم ادامه دارد در حقیقت جامعه حق خویش را به این نحو اعمال می‌کند و عدم حضور دادستان یا نماینده وی در جلسه دادرسی همان محروم کردن جامعه از حق ذاتی خویش است.

البته نمی‌توان وظایف دادستان محدود به قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۸۱ دانست چرا که با توجه به وظایف متعدد دادستان در حقوق ایران اگر چه بیشتر وظایف داستان در قانون ا. ت. د. ع ا مصوب ۸۱و قانون ا. د. ک جدید پیش‌بینی شده است، این به این معنا نمی‌باشد که تمام وظایف و اختیارات دادستان منحسر به این قوانین بوده، چرا که در قوانین دیگری اگر چه ممکن است بصورت پراکنده و جزئی وظایف و اختیاراتی برای دادستان پیش‌بینی شده است، مانند وظایف و اختیارات دادستان در قانون امور حسبی و غیره.

در ضمن نباید از این نکته قافل شد که در حقوق ایران وظایف متعددی برای دادستان پیش‌بینی شده است (قضایی و اداری) که شاید دلیل اصلی اجرایی نشدن تمام وظایف دادستان بر اساس قانون همین موضوع باشد برهمین اساس است که قانون آ. د. ک مصوب ۹۲ با پیش‌بینی کردن معاونت‌های همچون معاونت اجرا الزامی نبودن حضور دادستان در جلسه دادرسی در مواردی که قاضی حضور وی را الزامی نداند و موارد دیگری از این جمله قدم‌های مثبتی در جهت رفع این مشکل برداشته است.

در نهایت می‌توان گفت دادستان باید علمی فکر کند و قانونی و قاطع عمل نماید، برهمین اساس دادستان باید همواره پیوند عمیق و تنگاتنگی با اساتید دانشگاه و پژوهشگران حقوقی و قضایی داشته باشد.

## پیشنهادات

ـ با توجه به نقش اساسی دادستان در فرایند دادرسی کیفری که تضمین‌کننده عدالت کیفریست هرچند در قانون حضور دادستان یا نماینده وی در محاکم کیفری در دفاع از کیفر خواست الزامی بوده و لیکن در

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

رویه محاکم حضور دادستان نادیده گرفته می شود حال پیشنهاد می شود که تدبیری اندیشیده شود که دادستان یا نماینده وی بصورت عملی در جلسه دادگاه حضور یابند و از کیفرخواست صادره دفاع کنند.

ـ با توجه به نقش مهم دادستان در روند دادرسی کیفری پیشنهاد می‌شود که شخص دادستان دارای تجربه کافی و تحصیلات تکمیلی تخصصی با گرایش حقوق کیفری باشند.

ـ پیشنهاد می‌شود که مرجع تحقیق بصورت کاملاً مستقل از مرجع تعقیب تفکیک شده و دادستان بصورت تخصصی مسئول تعقیب جرائم و پیگیری تا حصول نتیجه باشد.

ـ پیشنهاد می‌شود اختیارات بیشتری به دادستاد در جهت تعلیق تعقیب متهم داده شود و محدودیت‌هایی که در ماده‌ی ۸۱ قانون ا. د. ک جدید پیش‌بینی شده است برداشته شود.

ـ تدبیری اندیشه شود که دادستان در نقش مدعی‌العموم (به معنای واقعی) حق اعتراض نسبت به محکومیت غیر قانونی متهم را نیز داشته باشد.

ـ پیشنهاد می‌شود دادستان‌ها اختیارات بیشتری جهت جایگزین کردن پیگرد از جمله ترک تعقیب و تعلیق تعقیب قبل و بعد از صدور کیفر خواست را داشته باشند.

ـ پیشنهاد می‌شود دوره‌های تخصصی روانشناسی جناحی برای دادستان جهت هر چه تخصصی شدن پرونده شخصیت متهمین گذاشته شود.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

## فهرست منابع و مآخذ


۱- آخوندی، محمود، ۱۳۷۲، آیین دادرسی کیفری، انتشارات واحد فوق برنامه بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ پنجم.

۲- آخوندی، محمود، ۱۳۸۱، دادسرا، سازمان، صلاحیت و آیین‌رسیدگی، جزوه درسی دوره کارآموزی قضایی، تهران.

۳- اسدی، لیلاسادات، ۱۳۸۹، حمایت دادستان از کودک در خانواده، موانع و چالش‌ها، فقه و حقوق خانواده، بهار و تابستان شماره ۵۲، از ۴۷ تا ۶۷.

۴- باختر و رئیسی، ۱۳۸۲. وظائف و حدود اختیارات دادستان‌ها، تهران: نشرخط سوم.

۵- حکیمی‌نژاد، اسدالله، علی اعتمادی خیاوی و علی علیزاده، ۱۳۸۶، نهاد دادسرا در نظم حقوقی کنونی، انتشارات سپهر ادب، چاپ اول.

۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۲، فرهنگ عناصر شناسی(حقوق مدنی- حقوق جزا)، تهران، کتابخانه گنج دانش.

۷- جایگاه دادستان در کشورهای جهان و عرف بین‌الملل، روزنامه اطلاعات دوشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۱ ـ ۳ رمضان ۱۴۳۳ـ شماره ۲۵۳۶۷.

۸- خالقیان، جواد، ۱۳۸۵، قوانین کیفری، تهران، نشر مهاجر.

۹- خالقی، علی، ۱۳۸۷، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

۱۰- خسروی‌زاد، افشار، آشنایی با تشکیلات دادسرا، پرتال جامع دادستانی کل کشور.

۱۱- خورتایی، علیرضا محمدبیگی، ۱۳۹۲، دادستان و امنیت اجتماعی، تهران، نشر میزان.

۱۲- دانشنامه حقوقی، در کدام جرائم، متهم حق ملاقات با وکیل را ندارد؟، خبرنگار حقوقی قضایی باشگاه خبرنگاران، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۳.

۱۳- سعیدی، منصور، ۱۳۸۷، رویه قضایی ایران در ارتباط با دادستان، تهران: انتشارات جنگل.

۱۴- سیاوش پور، احمد، قرار «بایگانی شدن پرونده» نوآوری جدید قانون‌گذاراست، روزنامه حمایت، کد خبر: ۳۱۴۵ تاریخ مخابره: ۱۹/۵/۱۳۹۳.

۱۵- شاکری، سیدرضا، ۱۳۸۳، پلیس- مردم و امنیت عمومی، تهران، انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

۱۶- شاملو احمدی، محمدحسین، ۱۳۸۳، پیرامون دادسرا، اصفهان، نشر دادیار.

۱۷- شایگان، علی، ۱۳۸۴، عدالت برای بزه‌دیدگان، تهران، انتشارات سلسبیل.

۱۸- شمس، عبدالله، ۱۳۸۶، آیین دادرسی مدنی؛ تهران، انتشارات دراک، چاپ ۱۶.

۱۹- رئیسی، جعفر ابراهیم، نقش دادستان در پیشگیری از جرم، پرتال جامع دادستانی کل کشور.


[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

۲۰- روشندل، جلیل، ۱۳۸۴، امنیت ملی و نظام بین‌المللی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول.
۲۱- زمانی در مزاری، محمدرضا، دستاوردها و نوآوری‌های قانون آئین دادرسی کیفری جدید، سایت کانون وکلای دادگستری استان خوزستان.
۲۲- زندی، محمدرضا، ۱۳۹۰، دادسرا و دادستان (وظایف قانونی و آیین‌دادرسی)، تهران، جاودانه، جنگل.
۲۳- غلامی، حسین، ۱۳۸۵، عدالت ترمیمی، تهران، انتشارات سمت.
۲۴- قادرپناه، جواد، ۱۳۹۱، نوآوری‌های لایحه آیین‌دادرسی کیفری در بخش ضابطان دادگستری، سایت حقوقی: دادخواهی، چهارشنبه بیست و ششم مهر.
۲۵- کارخیران، محمدحسین، ۱۳۹۳، آیین دادرسی کیفری، تهران، راه نوین.
۲۶- کوشا، جعفر، نقش دادستان در کشف حقیقت در وقوع جرم، پرتال جامع دادستانی کل کشور.
۲۷- گرامی، محمود، ۱۳۷۶، رابطه بازپرس و دادستان، حقوق: مه نامه قضایی، شماره۲۶.
۲۸- گودرزی، حمیده، ۱۳۹۳، جای خالی پلیس قضایی در دستگاه قضا، مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران، ۱۳۹۳/۶/۲۳
۲۹- محبی، شاهرخ، ۱۳۹۱، آزادی مشروط زندانیان، فصلنامه اصلاح و تربیت، شماره ۴۷.
۳۰- مدنی، سید جلال‌الدین، ۱۳۷۸، آیین دادرسی کیفری، تهران، نشر پایدار.
۳۱- مرتضوی، سعید، نقش دادستانی در نظام کیفری ما، پرتال جامع دادستانی کل کشور.
۳۲- مهاجری، علی، ۱۳۸۲، آیین رسیدگی در دادسرا، قم، نگین، چاپ دوم.
۳۳- مهاجری، علی، ۱۳۸۱، دادسرا و مصالح اجتماعی، نشریه پیام آموزش، معاونت آموزش قوه قضائیه، پیش شماره‌ی اول، سال اول.
۳۴- میرمحمدصادقی، نقش دادستان در رسیدگی به جرایم، پرتال جامع دادستانی کل کشور.
۳۵- نقره‌کار، محمدصالح، ۱۳۹۲، دادستان در ترازوی حقوق بشر و شهروندی، تهران، انتشارت جاودانه.
۳۶- نصری، علی، ۱۳۹۰، قرار اناطه و جایگاه آن در نظام قضایی ایران، سایت حقوقی دادرس پارسی، ۱۳۹۰/۳/۱۵.

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]

[ Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19 ]